

رساله

برائت در اسلام



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



پیشگفتار

کلمه "برائت" در لغت عربی، به معنای خلاصی، رهایی، پاکی، بی تقصیر بودن، و بی گناهی است. اما این واژه در اصطلاح، به معانی مختلفی آمده است. یکی از موارد کاربرد این اصطلاح، در علم اصول فقه است که دانشمندان این رشته، اصل برائت را به عنوان یکی از مباحث این فنّ، مورد بحث و تحقیق قرار داده اند. اصل برائت از این دیدگاه، یکی از اصول عملیه است که فقهاء به هنگام فقدان دلیل، به آن اصول تمسک می جویند. بنا بر این اصل، اگر در مورد وجوب یا حرمت چیزی شک دارند (مثل وجوب دو رکعت نماز در اول هرماه، و حرمت کشیدن سیگار) ولی دلیل کافی برای اثبات آن نیابند و حکم سابقی هم برای آنها نباشد، آنگاه به اصالت برائت تمسک می جویند که لازمه اش، عدم وجوب و عدم حرمت آن دو امر خواهد بود.

کاربرد دیگر اصل برائت، در علم حقوق و کشور داری در زمینه کیفیت رفتار دستگاه قضایی با متهمان، و نحوه برخورد حکومت ها با مردم است.

بر اساس این قانون، اصل این است که شخص متهم، بی گناه است، مگر اینکه مقصر بودن او با دلایل محکمه پسند در دادگاه صالح، به اثبات برسد. اما در برخی از کشورهای استبداد زده، قضیه برعکس است. یعنی اصل این است که افرادی که مورد سوء ظن حکومت هستند مقصرند، مگر اینکه بی گناهی آنها از نظر دولت های مذکور، به اثبات برسد.

بر اساس این مبنای غلط، حکومت های دیکتاتور، با افراد متهم به مانند افراد مجرم برخورد می نمایند و گاهی از اوقات، آن اشخاص را سالها در زندان و تحت شکنجه قرار می دهند، تا اینکه بی تقصیری آنان از نظر حکومت های یادشده روشن گردد. چه بسا اتفاق افتاده است که فرد بی گناهی تمام عمر

خود را در محبس سپری کرده است و در همان حال غربت و تنهایی از دنیا رفته، و یا به جوخه های اعدام سپرده شده، اما پس از مرگش، بی گناهی او به اثبات رسیده است.

اصل برائت در میان ملّت ها و کشورهای پیشرفته جهان امروز، جایگاهی ویژه دارد. بسیاری از ملل مترقی دنیا، این اصل را به عنوان مبنای تعامل حکومت با مردم، در قانون اساسی کشور خود، گنجانده اند.

در این نوشتار موجز، سعی خواهیم کرد تا اصل برائت را در زمینه حقوقی و کشور داری، از دیدگاه دین مبین اسلام مورد بررسی قرار دهیم و این حقیقت را روشن سازیم که ریشه این اصل در اسلام اصیل نهفته است و شریعت الهی، ما را به عمل بر مبنای این قانون انسانی و اسلامی فرمان داده است، گرچه بسیاری از دولت های به ظاهر

اسلامی، از عمل بر اساس آن، سر باز می زنند و
بر خلاف آن رفتار می نمایند.

اصل برائت در قرآن

از مجموعه آیات شریفه قرآن مجید ، اصل برائت به روشنی قابل استنباط است. در اینجا، برخی از آن آیات را از نظر شما می گذرانیم و مباحثی که پیرامون آنها مطرح شده است را یادآور می شویم.

دسته اول آیات

این دسته از آیات شریفه، نوعاً برای اثبات اصل برائت از دیدگاه اصولی و کاربرد نخست که به آن اشاره شد، بیان گردیده اند:

آیه اول:

در آیه 15 از سوره اسراء چنین آمده است:

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ
رَسُولًا.

یعنی: هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آنکه گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچکس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم.

اینکه قرآن می‌فرماید: ما هرگز مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم، دلیل بر این است که اگر در مورد خاصی امر و نهی به صورت واضح از جانب شرع نیامده باشد، ذمه مکلف آزاد است و به اصل برائت متمسک می‌گردد.

آیه دوم:

نظیر این سخن، در آیه 59 از سوره مبارکه قصص آمده است:

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا
يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلِهَا
ظَالِمُونَ.

یعنی: پروردگار تو هرگز آبادیها را نابود نکرده است، تا اینکه در کانون آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بوده باشند.

از این آیه نیز معلوم می گردد که روش پروردگار جهان این است که هیچگاه قومی را بدون تبیین احکام شریعت توسط پیامبران، مجازات نمی فرموده است. بنا بر این، اگر در موردی، دلیل قاطع وجود نداشته باشد، ذمه مکلف برئ است و اصالت برائت جاری می گردد.

آیه سوم:

در آیه 115 از سوره توبه نیز، چنین می خوانیم:

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ
مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

یعنی: چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد به گمراهی بکشاند، تا آنکه آنچه

را باید از آن بهره‌یزند، برای آنان روشن گرداند، خداوند به هر چیزی داناست.

بنا بر این آیه نیز، تا هنگامی که حقیقت به صورت واضح برای مردم تبیین نگردد، ذمه مردم برئ است و اصل برائت جاری می گردد.

در این زمینه، آیات دیگری نیز وجود دارد که دانشمندان به آنها استدلال نموده اند، و ما در اینجا به آیات فوق اکتفا می کنیم.

آیات دسته دوم

گروه دوم از آیه های شریفه قرآن در این زمینه، برای اثبات اصالت برائت در بُعد حقوقی و حکومتی بیان گردیده است. این آیات، روشن می سازد تا مادامی که دلیل محکمه پسندی بر مقصر بودن شخصی وجود ندارد، اصل بر بی گناهی اوست.

آیه اول

در آیه 36 از سوره مبارکه اسراء، چنین آمده است:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.

یعنی: از آنچه به آن علم قطعی نداری، پیروی مکن،
چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند.
بنا بر این آیه، اگر نسبت به کسی اتهامی وجود
داشته باشد ولی دلیلی علم آور که موجب قطع
است در کار نباشد، آنکس محکوم به برائت است.

آیه دوم

در آیه 112 از سوره نساء، چنین می خوانیم:
وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ
بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا.

یعنی: کسی که خطا یا معصیتی مرتکب شود، آنگاه
بیگناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری بر
دوش خود گرفته است.

آیه سوم

همچنین، در آیه 12 از سوره حجرات، چنین آمده
است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
إِنَّمْ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا.

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از
گمانها پرهیزید، زیرا بعضی از گمانها گناه است؛ و
هرگز تجسس نکنید؛ و هیچ يك از شما دیگری را
غیبت نکند .

اصل برائت در روایات اسلامی

علاوه بر آیات قرآن، روایات بسیاری نیز، هر دو نوع اصل برائت را که در پیشگفتار به آن‌ها اشاره کردیم، به اثبات می‌رسانند.

در اینجا، ابتدا روایاتی را که برای اثبات اصالت برائت از دیدگاه علم اصول فقه به آنها تمسک شده است یادآورد می‌شویم، و آنگاه احادیث دیگری را که به منظور تایید اصالت برائت از دیدگاه حقوقی و حکومتی به آنها استدلال می‌شود، از نظر شما می‌گذرانیم.

احادیث دسته اول

احادیث دسته اول، به شرح ذیل می‌باشد:

حدیث اول: روایتی است که توسط محدثین شیعه در بسیاری از کتب روایی، از جمله در کتاب خصال صدوق بدین شرح آمده است:

«عن ابى عبدالله عليه السلام قال، قال رسول الله صلى الله عليه و آله: رفع عن امتى تسعة: الخطأ و النسيان، و ما اكرهوا عليه، و ما لا يطيقون، و ما لا يعلمون، و ما اضطروا اليه، و الحسد، و الطيرة و التفكير فى الوسوسة فى الخلق ما لم ينطق بشفة» (كتاب خصال، نوشته شيخ صدوق، و بحار الانوار، نوشته علامه مجلسى، جلد 2).

يعنى: امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرمودند: نه چیز از امت من برداشته شده است: خطا، و فراموشی، و آنچه بر آن وادار شوند، و آنچه توان انجامش را ندارند، و آنچه ندانند، و آنچه به ناچار تن دهند، و حسد، و طیره (فال بد)، و اندیشیدن در وسوسه در آفرینش، تا وقتی که آن را به زبان نیاورند.

آنچه در این روایت مورد نظر ما هست، عبارت "مالایعلمون" یعنی: آنچه را نمی دانند است. بنا بر این عبارت، اگر حکمی از جانب شرع به اطلاع مردم

نرسیده باشد و مردم نیز آن را ندانند، ذمه آنان برئ است و اصل برائت جاری می گردد.

حدیث دوم: روایتی است که به حدیث "حجب" معروف است و شیخ کلینی آن را در جلد اول "الکافی" آورده است:

محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد بن عیسی ، عن ابن فضال ، عن داود بن فرقد عن أبي الحسن زکریا بن یحیی ، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: ما حجب الله عن العباد فهو موضوع عنهم.

یعنی: امام صادق (ع) می فرماید: آنچه خداوند از دید بندگانه خود پنهان داشته است، از آنان برداشته می شود.

حدیث سوم: روایتی است که با مضامین مختلف مانند آنچه در زیر می آید ، نقل شده است:

عن النبي (صلى الله عليه وآله): «الناس في سعة ما لم يعلموا». (عوالی اللنالی، جلد 1، و مستدرک الوسائل، جلد 18، کتاب الحدود، الباب 12، حدیث 4).

یعنی: از پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: مردم در وسعت هستند، مادام که نمی دانند.

این حدیث در کتب دیگر، با عباراتی نظیر این روایت آمده است و بر آزاد بودن ذمه انسان ها تا هنگامی که حکم الهی بر آنان معلوم نباشد، دلالت دارد.

علاوه بر آیات قرآن و روایات اسلامی، دانشمندان ما به دلائل دیگری مانند اجماع و دلیل عقلی نیز، برای اثبات اصل برائت به معنایی که گذشت، استدلال نموده اند.

روایات دسته دوم

اما احادیث دسته دوم، یعنی روایاتی که اصالت برائت را از دیدگاه حقوقی و حکومتی اثبات می کنند به شرح ذیل می باشند:

روایت اول

حدیث نخست، سخن امام جعفر صادق (ع) است که در جلد دوم اصول کافی به شرح ذیل روایت شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَاطِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَ أَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ".

یعنی: امام صادق (ع) می فرماید: پشیمانی خطای در عفو، بهتر و آسانتر است از پشیمانی بر مجازات.

بر اساس این حدیث شریف، امام و پیشوای شیعه، دستگاه های قضایی و حکومت ها را به مراعات اصل برائت مردم فرا می خواند و از اینکه مبدا اشتباه در مجازات صورت گیرد برحذر می دارد و پشیمانی ناشی از خطای در عفو و گذشت را آسانتر از ندامت حاصل از خطای در آزار و اذیت متهمان می شمارد.

روایت دوم

روایت دیگری از امام علی (ع) در جلد اول کتاب "الغارات" بیان گردیده است که فردی از آن حضرت می خواهد تا شخص متّهمی را به نام "خرّیت ابن راشد" دستگیر نماید. آن حضرت، در پاسخ به این درخواست چنین می فرماید:

انا لو فعلنا هذا لكل من نتهمه من الناس ، ملأنا السجون منهم . و لا ارانى يسعنى الوثوب على الناس و الحبس لهم و عقوبتهم حتى يظهروا لنا الخلف.

یعنی: اگر ما نسبت به هر فرد متهمی از انسانها اقدام به دستگیری آنان کنیم ، زندان هارا از آنان باید پر کنیم . درحالی که من خود را مجاز به دستگیری مردم و به زندان افکندن آنان و مجازات آنها نمی بینم، مگر اینکه امر خلافتی را برای ما آشکار سازند.

روایت سوم

حدیث دیگری در همان منبع از امام علی (ع) به شرح ذیل روایت شده است:

انى لا آخذ على النهمة و لا اعاقب على الظن و لا اقاتل
الّا من خالفنى و ناصبنى و اظهر لى العداوة.

یعنی: من هیچکس را به خاطر اتهام، بازداشت نمی‌کنم، و بر اساس ظنّ و گمان، مجازات نمی‌نمایم، و با کسی نمی‌جنگم، مگر اینکه به صورت آشکار، با ما به مخالفت و دشمنی و عداوت برخیزد.

روایت چهارم

امام صادق (ع) می‌فرماید:

إذا اتهم المؤمن أخاه انما الايمان من قلبه كما ينماث
الملح فى الماء. (کتاب الکافی ج ۲، و کتاب وسائل
الشیعة، ج ۸).

یعنی: هرگاه مؤمنی، برادر دینی خود را متهم نماید، ایمان در قلب او مانند نمکی که در آب حل می‌گردد، مضمحل خواهد شد.

روایت پنجم

امام حسین (ع) در نامه ای که به معاویه نوشتند، او را به خاطر بازداشت مردم و کشتن انسان های پاک به جهت متهم دانستن آنان را به عنوان جرائم بزرگ او معرفی می کنند و چنین می فرمایند:

ولیس الله بناس لأخذک بالظنة ، وقتلک أولیاءه علی التهم، ونقل أولیائه من دورهم إلى دار الغربة. (موسوعة کلمات الإمام الحسین (ع)، تدوین لجنة الحدیث فی معهد باقر العلوم - علیه السلام).

یعنی: خداوند، فراموش نخواهد کرد که تو مردم را با گمان، دستگیر نمودی، و اولیاء خدا را به خاطر اتهام زدن به آنان به قتل رساندی، و آنان را از خانه و کاشانه خود به غربت راندی.

مجموعه این احادیث، به خوبی نشان می دهد که اصل در برخورد حکومت ها با مردم، باید بر اساس برائت باشد، و مجازات آنان به خاطر متهم دانستن و گمان بد داشتن به آنان، از دیدگاه اسلام، جایز

نیست، بلکه عقوبت الهی را برای متخلفان، در پی
خواهد داشت.

اصل برائت در منشور حکومت علوی

در این بخش، نگاهی گذرا به سخنان گهربار امام متّقین و امیر المؤمنین (ع) می افکنیم تا دیدگاه آن حضرت در طرح کشور داری اسلامی که از ایشان به یادگار مانده است، روشن گردد.

امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر نخعی، چنین می فرماید:

وَلَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ، وَلَا تَبْجَحَنَّ بِعُفُوبَةٍ، وَلَا تُسْرِعَنَّ إِلَى
بَادِرَةٍ وَحَدَّتْ مِنْهَا مَنُذُوحَهُ وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ
فَأَطَاعَ ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ،
وَتَعَرُّبٌ مِنَ الْعَيْبِ وَإِذَا أَحَدَتْ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ
أُبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ ، وَقُدْرَتِهِ
مَنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ
يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَيَكْفُ عَنْكَ مِنْ عَرِيكَ وَيَعْيُ
إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ! إِيَّاكَ وَمَسَامَاةَ اللَّهِ فِي
عِظَمِهِ، وَالتَّشَبُّهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ يُدَلُّ كُلَّ جَبَّارٍ،
وَيُهَيِّئُ كُلَّ مُخْتَالٍ".

یعنی: هرگز نسبت به عفو و بخشش ديگران
پشيمان مباش، و از كيفر كردن شادمان مشو ، و
نسبت به حدّ و كار تندي كه مي تواني از آن
پرهيز كني شتاب نداشته باش.

به مردم نگو به من فرمان دادند و من نيز فرمان
مي‌دهم، پس بايد اطاعت شوم، زيرا اينگونه خود
بزرگ بيني دل را فاسد، و دين را پژمرده مي سازد ، و
موجب نزديكي به غير خدا مي گردد.

و اگر با مقام و قدرتي كه داري، دچار غرور يا خود بزرگ
بيني شدي به بزرگي حكومت پروردگار كه برتر از تو
است بنگر، كه تو را از آن سرگذشي نجات مي‌دهد، و تند
روي تو را فرو مي‌نشانند، و عقل و اندیشه‌ات را به جايگاه
اصلي باز مي‌گردانند. پرهيز كه خود را در بزرگي هم‌تراز
خداوند پنداري، و در شكوه و جبروت همانند او داني ،
زيرا خداوند هر سرگذشي را دليل مي كند ، و هر خود
پسندي را خوار مي گرداند.

نکته مهمی که در این سخنان ارزشمند وجود دارد، اشاره به دو اصل اساسی فرمانروایی به شرح ذیل است:

الف - سیاست "سماحت" ، یعنی : آسان گرفتن بر مردم ، که در مغرب زمین ، تحت عنوان (Tolerance) ، نامیده می شود.

ب - اصل مهم دیگر، "اصل برائت" است که بر اساس آن، مبنای حکومت باید این باشد که به برائت ذمه و بی گناهی افراد در تعامل با آنان حکم کند ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به صورت قطعی به اثبات برسد.

لازمه این امر ، پیشگیری از برخوردهای سلیقه ای و خود داری از قضاوت عجلوانه در حق دیگران است. بدن جهت امام علی (ع) به مالک اشتر می فرماید : "نسبت به حدّ و کار تندى که می توانی از آن پرهیز کنی شتاب نداشته باش".

در جای دیگر این نامه افتخار آمیز، امیر مؤمنان (ع) به پرهیز از سعایت خبرچینان فرمان می دهد و حفظ آبروی مردم را توصیه می کند:

وَلْيَكُنْ أَبَعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلَبُهُمْ لِمَعَانِبِ النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ. أَطْلِقِ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حَفِيدٍ وَافْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَنٍ وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضِحُ لَكَ، وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَّ غَاشٌّ، وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ.

یعنی : عیب جویان باید بیش از همه از تو دورتر و مورد تنفر بیشتر باشند. زیرا در مردم عیوبی وجود دارد که فرمانروا در پنهان داشتن آنها سزاوارتر از دیگران است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی ، تو فقط عیوبی را که آشکار شده است باید تطهیر کنی. داوری در آنچه از تو پنهان است با خداوند است ، پس چندان که می توانی

عیب ها را بیوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیوشاند ، گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای، و ریشه هر ستمی را قطع کن، و از آنچه که در نظرت روشن نیست اجتناب کن. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس پند دهندگان ظاهر می‌شود اما خیانتکار است.

پیامبر گرامی اسلام نیز، عیب جویان را مورد نکوهش قرار می دهد و چنین می فرماید :

«یا معشر من أسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه، لا تتبعوا عثرات المسلمین فانه من تتبع عثرات المسلمین تتبع الله عثرته و من تتبع الله عثرته یفضحه». (اصول کافی، ج2، ص355).

یعنی : "ای گروه کسانی که به زبان مسلمان شده‌اید ولی دل‌هایتان مسلمان نشده‌است! در پی عیبه‌ها و لغزشهای مسلمانان نباشید، چرا که هر کس در پی یافتن عیبه‌های مسلمانان باشد، خدا هم

پی‌جوی عیب او خواهد شد و هر که را که خدا در پی عیوبش باشد ، رسوایش می‌سازد".

نکته دیگر در نامه امام علی به مالک اشتر این است که حکومت باید از بروز سعایت‌ها پیشگیری بعمل آورد. زیرا سعایت ، همواره موجب به حاشیه راندن انسان‌های لایق و مدیران توانا و حذف نیروهای کار آزموده در جامعه می‌گردد. بنا بر این ، امام علی(ع) به مالک اشتر فرمان می‌دهد تا در تصدیق سعایت‌کنندگان شتاب نکند، برای اینکه در بسیاری از موارد، سعایت‌ها از حسادت‌ها و رقابت‌های ناسالم ناشی می‌شود.

در بخش دیگری از نامه آن حضرت ، چنین آمده است:

وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يَأْدَعِي إِلَى حُسْنِ ظَنِّ وَالٍ بِرِعْيَتِهِ
مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ، وَتَخْفِيفِهِ الْمَوْنَاتِ عَلَيْهِمْ، وَتَرْكِ
اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَى مَا لَيْسَ لَهُ قِبَلَهُمْ ، فَلْيَكُنْ مِنْكَ
فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرِعْيَتِكَ ، فَإِنَّ
حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَبًا طَوِيلًا، وَإِنَّ أَحَقَّ مَنْ حَسَنَ

ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ حَسَنَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ، وَإِنَّ أَحَقَّ مَنْ سَاءَ ظَنُّكَ
بِهِ لَمَنْ سَاءَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ.

یعنی : بدان ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب
اعتماد والی به رعیت بهتر از احسان به مردم، و
تخفیف هزینه‌ها ، و عدم اجبار مردم به کاری که
دوست ندارند، نمی‌باشد، پس در این راه بکوش تا
به وفاداری رعیت، خوشبین شوی ، که این
خوشبینی رنج طولانی را از تو دور می‌سازد.
پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر
خوشبین باش، و به آنان که بد رفتاری کردی بد
گمان و بی اعتمادتر باش.

از آنجا که یکی از مهمترین معیارهای حکومت
مردمسالار ، داشتن مشروعیت نظام از دیدگاه مردم
است ، امیر مؤمنان (ع) ، مالک اشتر را به اهمیت
حفظ افکار عمومی فرمان می‌دهد.

یکی از مهمترین روش‌ها برای حفظ افکار عمومی،
کاهش فشارهای تحمیل شده بر مردم است. بر

این اساس، این پیشوای بزرگ، کارگزاران خود را از اعمال فشار بر مردم برحذر می‌دارد و جلب رضایت آنان را می‌طلبد.

روشن است که برخورد حکومت با انسان‌ها بر اساس اتهام‌های ثابت نشده و گمان مخالفت، عرصه را بر عموم مردم تنگ می‌سازد و آنان را در درازمدت، به سرکشی و مخالفت وادار می‌نماید. از اینرو، رعایت اصل برائت در برخورد با مردم، نه تنها موجب آرامش جامعه می‌گردد، بلکه بقاء و دوام حکومت را تضمین می‌نماید.

نتیجه

از مجموعه آیات و روایاتی که از نظر گرامی شما گذشت، روشن می‌گردد که اصل برائت به هر دو معنایی که در پیشگفتار به آنها اشاره شد، ریشه در تعالیم اسلامی و سخنان پیشوایان دین ما دارد، و

مراعات آن، به همه مسلمانان، بویژه حاکمان و فرمانروایان، فرمان داده شده است.

نکته ای که در پایان باید به آن اشاره کنیم این است که در زمینه اصل براءت حقوقی، اگر آزادی فردی که به ارتکاب جنایتی متهم گردیده است، موجب فرار او از قانون گردد، احکامی برای جلوگیری از فرار وی در فقه و حقوق اسلامی در نظر گرفته شده است، اما اّتهم بدون اثبات، نباید به معنای گناه کار بودن او تلقی شود و یا روش برخورد با او از نوع برخورد با کسانی باشد که مقصّر بودن آنان اثبات گردیده است. بلکه رعایت حقوق شهروندی او لازم می باشد، و احترام او نیز نباید هتک شود، و نام او نیز نباید به عنوان مجرم بر سر زبانها بیفتد؛ مگر اینکه اّتهم وارد شده بر وی، با دلایل صحیح و در دادگاه صالح، به اثبات برسد.

اما چنانکه از فرازهایی از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر استفاده می شود، برخورد حکومت با

مردم خود باید با مدارای بیشتر و سعه صدر بالاتری
همراه باشد، و بدگمانی، اتهام صرف، سعاید
دیگران، و گزارش خبرچینان ، نباید موجب برخورد
خشن با مردم و حبس و آزار آنان شود. بلکه اصل در
تعامل حکومت با مردم، باید بر اساس اصل برائت
باشد، مگر اینکه خلاف آن به اثبات برسد.
